«مارک کتز» استاد دانشگاه «جرج میسون» در گفت‌وگو با «شرق»:

«اوباما» برای دادن امتیازهایی به ایران مصمم است

فرنگیس بیات

«مارک کتز» استاد سیاست و حکومت در دانشگاه «جرج میسون» است. آخرین کتاب او«عقب‌نشینی بدون شکست» درباره جنگ علیه تروریسم بعد از مداخله آمریکا در عراق و افغانستان است. او در نوشته‌های قبلی‌اش تمرکز اصلی خود را روی خاورمیانه قرار داده است.«نقش روسیه در روابط ایران و آمریکا»، «روابط بین‌الملل و پرونده هسته‌ای میان ایران و آمریکا» و «ایران-روسیه و فردای عقب‌نشینی آمریکا از افغانستان» نیز از دیگر نوشته‌های مورد توجه او بوده است. «کتز» از جمله تحلیلگرانی است که در ادبیات تحلیلی خود همواره نگاهی به تاثیرات به‌جامانده از جنگ سرد دارد. از این‌رو رابطه تهران و واشنگتن نیز از دید او باید فراتر از مناسبات صرف دوجانبه مطالعه شود.

شما یکی از معدود کارشناسانی هستید که روابط ایران و آمریکا را با نیم‌نگاهی به روابط این دو کشور با دیگر کشورها مورد بررسی قرار می‌دهید. به‌عبارت دیگر بحران هسته‌ای ایران در تحلیل‌های شما همیشه حاوی عناصر مهمی از حضور چین و روسیه است. ظاهرا از نظر شما موضع ایران در پرونده هسته‌ای تابعی از روابط تهران با قدرت‌های «اوراسیایی» بوده است؟ آیا چنین تابع موازی‌ای درمورد آمریکا و اسراییل هم وجود دارد؟

فکر نمی‌کنم موضع ایران در پرونده هسته‌ای تابعی از روابطش با قدرت‌های «اوراسیایی» یا هیچ دولت دیگری باشد. اگر موضع ایران تابعی از چنین روابطی بود، این برنامه نه هرگز شروع می‌شد و نه اینکه می‌توان مانع آن شد. هیچ ملتی چه دارای تسلیحات هسته‌ای و چه فاقد این نوع تسلیحات نمی‌خواهد که دیگر ملت‌ها به آن دست پیدا کنند. ملت‌ها خود تصمیم می‌گیرند که طبق منافعشان چگونه چنین برنامه‌هایی را دنبال کنند. برای اسراییل هم این اصل صادق است. آمریکا واقعا نمی‌خواسته است که اسراییل به این تسلیحات دست پیدا کند، اما به‌هرحال این کشور اتمی شده است. اما نکته مهم این است که دستیابی به تسلیحات هسته‌ای به‌معنای حفظ نظام سیاسی و ضمانتی برای بقا نیست. تسلیحات هسته‌ای نه به جلوگیری از فروپاشی شوروی کمک کرد و نه به اسراییل تا مشکلاتش را با فلسطینی‌ها و کشورهای مسلمان حل کند.

زبان و اهداف اعلام‌شده حسن روحانی کاملا با رییس دولت پیشین متفاوت است. هدف این دولت برای حل مشکلات و ابهام‌های موجود جدی است. از آمریکا در مقابل این تغییر چه انتظاری می‌توان داشت؟

دولت اوباما به‌طور خاص به‌دنبال توافقی با ایران بر سر بحران هسته‌ای است و من بر این باورم که دولت اوباما حتی برای دادن امتیازهایی به ایران مصمم هم هست. اگرچه برای تشدید رژیم تحریم در زمینه ایجاد محدودیت به نظام بانکی جهانی، فروش نفت و تجارت عمومی تلاش زیادی هم کرده است. البته واشنگتن در این میان به عمان هم اجازه داده تا مقادیر زیادی از گاز ایران را خریداری کند، امتیازات محتمل می‌تواند شبیه این باشد.

پیروزی حسن روحانی نشان داد که جامعه ایرانی به‌دنبال راه‌حل‌های صلح‌آمیز برای بحران‌های پیش‌رو است. مکانیسم انتخابات در ایران بسیاری را در آمریکا و سایر کشورها متقاعد کرده است که شباهت‌های ایران به آمریکا بیش از سایر کشورهای منطقه است، حداقل وقتی آمریکا متحدان عرب منطقه‌ای‌اش را مورد توجه قرار دهد. تا چه میزان به این شباهت‌های نهادی مثل انتخابات، گردش نخبگان، عقلانیت سیاسی و ذهنیت دکارتی می‌توان اتکا کرد و گفت که احتمالا فرآیند تصمیم‌گیری درمعنای مثبت آن در مورد کشوری مثل ایران متاثر از این عناصر باشد؟

ناظران آگاه آمریکایی و کارشناسان خاورمیانه بارها بر همین نکته تاکید کرده‌اند. اما در روابط میان تهران و واشنگتن طنزی وجود دارد و آن اینکه دشمن آمریکا در منطقه «ایران» به‌مراتب دموکراتیک‌تر از رژیم‌های اقتدارگرای عرب در منطقه است. در طول جنگ سرد هم وضعیت طنزآمیز مشابهی وجود داشت: زمانی که آمریکا بنابر دلایلی در کنار پاکستان اقتدارگرا و در مقابل هند دموکراتیک قرار داشت.

پس اینکه می‌گویند «دموکراسی‌ها با هم نمی‌جنگند» چگونه است؟

ببینید نیروهای سیاسی قدرتمندی هم در ایران و هم در آمریکا وجود دارند که مخالف هرگونه بهبود رابطه هستند. بر این باورم حمایت مردمی پشت آقای روحانی در داخل ایران می‌تواند این فرصت را برای طرفداران ازسرگیری رابطه در هر دو کشور فراهم کند.

«نرمش قهرمانانه» نوعی چرخش در سیاست خارجی ایران است که توسط رهبری نظام اعلام شد آن‌هم پیش از سفر روحانی به نیویورک. با توجه به آنچه کارشناسان درمورد برداشتن «گام اول» یا استراتژی «اول تو برو» می‌گویند، ظاهرا ایران گام اول را برداشته است. این جهت‌گیری جدید در میان طیف‌های سیاسی در آمریکا چگونه دیده می‌شود؟

این واقعیت که رهبر عالی خود جهت‌گیری جدید را اعلام کرده است، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و نشانه مهمی است از اینکه قطعا روحانی به‌دنبال بهبود روابط تهران-واشنگتن است. بعضی افراد به اهمیت و وجاهت این جهت‌گیری جدید واقفند و بعضی دیگر نیستند. وضعیت ایران و آمریکا این روزها شبیه پکن و واشنگتن اوایل ۱۹۷۰ و واشنگتن و مسکو در اوایل دهه ۱۹۸۰ است. کسانی بودند که مدعی بودند درخواست و تمایل دشمن ما برای بهبود روابط چیزی به‌جز «حیله» نیست. این حیله از نظر آنها راهی برای ساکت کردن آمریکایی‌ها بود تا در موقع مناسب، آنها نوعی ضربه بزنند. خوشبختانه در آمریکا این ذهن‌های بازتر بودند که تصمیم‌گیری کردند و نهایتا بهبود روابط اتفاق افتاد. چین و آمریکا هم از این رویداد منتفع شدند. اما مسکو خود بازی را بر هم زد. در ژوییه ۱۹۹۱ بوش پدر در سخنرانی خود باز هم از مسکو خواست که با رویه‌ای دموکراتیک به آمریکا نزدیک شود. اما حجم مشکلات و بحران‌های داخلی شوروی به‌گونه‌ای بود که فضایی برای اصلاحات باقی نگذاشت و فرو پاشید. روابط آمریکا و روسیه پس از فروپاشی چندان خوب نبوده است، حتی می‌توان گفت روابط واشنگتن-مسکو در دوره گورباچف بهتر از این روزها بود. فکر می‌کنم روابط بهبودیافته ایران و آمریکا به منافع بلندمدت این دو کشور کمک خواهد کرد. اما این نکته را هم بگویم که برخلاف وضعیت شوروی و چین، ایران کشوری نیست که تهدید فروپاشی و تجزیه را در مقابل خود داشته باشد. از این‌رو قیاس ایران با کشورهایی مثل شوروی و چین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز باید با احتیاط صورت گیرد.

به منطقه برگردیم. از سرگیری احتمالی روابط تهران - واشنگتن دغدغه‌های جدی برای اسراییل درست کرده است. باید گفت در کنار اسراییل اعراب هم چندان خشنود نیستند و شاید باید روسیه و عربستان را هم به این فهرست اضافه کنیم. بعد از آشتی احتمالی ایران-آمریکا آرایش سیاسی خاورمیانه چگونه خواهد بود؟ متحدان منطقه‌ای آمریکا وزن ژئوپلیتیک خود را از دست خواهند داد؟ روسیه چه موضعی خواهد گرفت؟

اسراییل و بسیاری از رژیم‌های عرب منطقه از بهبود روابط هراس دارند. آنها می‌ترسند این بهبود روابط تا جایی پیش رود که تهران و واشنگتن چنان دوستان خوبی شوند که دیگر آمریکا به اندازه امروز نه به آنها گوش دهد و نه آنها را مورد توجه قرار دهد. البته من از سوی دیگر فکر می‌کنم که بهبود روابط تهران و واشنگتن می‌تواند اعراب و اسراییل را هم منتفع کند. در این میان روسیه از بهبود رابطه، چندان استقبال نمی‌کند و از آن بیم دارد از اینکه ایران به هزینه این کشور تبدیل به دوست نزدیک آمریکا شود. اما باید در نظر داشت که ایران حتی از حل مساله فلسطین هم در حالت کلی بهره خواهد برد و روسیه هم از کاهش خصومت‌ها می‌تواند به نوعی استفاده کند.

ناخرسندی برخی کشورهای منطقه از آشتی احتمالی ایران و آمریکا و راهبرد واشنگتن برای مقابله با این شکل جدید چالش‌ها را چگونه تحلیل می‌کنید؟

کشورهای سنی منطقه از شیعیان ترس دارند چرا که آنها را بالقوه عامل ایرانی می‌دانند اما به‌نظر می‌رسد که این آشتی احتمالی که شما از آن نام می‌برید، در عین حال می‌تواند به فروکاستن از این بیم و نگرانی و تنش‌های شیعی-سنی کمک کند. چه‌بسا ایران و آمریکا باید برای حل مناقشات سنی-شیعی در قالب همکاری‌های دموکراتیک و فدرال در کشورهایی مثل عراق، لبنان و سوریه با هم همکاری‌هایی را آغاز کنند. استراتژی آمریکا همکاری بیشتر با ایران برای حل سایر مناقشات است.

در آمریکا لابی اسراییلی و بازهای جنگ‌طلب تا چه میزان می‌توانند موانعی را بر سر راه بهبود رابطه با آمریکا و «ذوب»شدن یخ روابط ایجاد کنند؟ این موانع تا چه میزانی واقعا جدی است؟

درست است که در آمریکا لابی طرفدار اسراییل بسیار قوی عمل می‌کند یا گروه‌های مروج به‌راه انداختن یک جنگ دیگر منظورم همان بازها هستند، فعال هستند و البته هر دو گروه مخالف بهبود رابطه واشنگتن با تهران هستند. از سوی دیگر حامیان زیادی هم حتی در میان اسراییلی‌ها وجود دارند که معتقدند بهبود رابطه تهران و واشنگتن به نفع آنها هم هست. هرچه پیشرفت بیشتری در بهبود رابطه میان این دو کشور صورت گیرد مسدودکردن فرآیند بهبود رابطه مطمئنا دشوارتر خواهد بود.

در مورد پرونده هسته‌ای ظاهرا آمریکا به دنبال افزایش تحریم‌ها به منظور تحت فشار قراردادن ایران برای تغییر جهت‌گیری‌اش بوده است. اما تاکید بر کارآیی هرچه بیشتر تحریم‌ها گویی خود تبدیل به استراتژی آمریکا شده است. دیگر وسیله‌ای نیست، اصل، هدف است. دیگر حتی تاکتیک هم نیست. نوعی سردرگمی در سیاست خارجی آمریکا وجود دارد. بنابه نظر شما تاکید بر تحریم‌ها شانس بهبود رابطه را از بین خواهد برد. برخی محافل آمریکایی معتقدند برداشتن تحریم‌ها به معنای عقب‌نشینی به همراه شکست است. برخلاف عنوان کتاب شما که می‌گوید«عقب‌نشینی بدون‌شکست».

به نظر من در این برهه زمانی تقویت تحریم‌ها درست آن‌هم زمانی که رهبر عالی و روحانی، تمایل جدی برای بهبود رابطه و حل مساله از خود نشان داده‌اند نوعی برهم‌زدن بازی است و نتیجه عکس می‌دهد. بسیاری در آمریکا می‌گویند تغییر به‌وجود آمده در نتیجه اثرگذاری تحریم‌ها بوده است در نتیجه تا آنجایی که می‌توانیم تحریم‌ها را ادامه می‌دهیم تا انعطاف بیشتری از ایران ببینیم. از نظر من این رویه کاملا اشتباه، غلط محاسباتی دارد. اشتباه محاسباتی تقویت تحریم‌ها هم این است که نادیده‌گرفتن تمایل و نشانه‌های طرفداران بهبود رابطه در ایران، باعث تقویت مخالفان بهبود رابطه و در درازمدت به تضعیف این اراده دولت روحانی منجر می‌شود و نتیجه اینکه فرصت به دست‌آمده برای سال‌ها از بین خواهد رفت.

موضوعی که اشاره کردید یعنی اراده دولت روحانی در کنفرانس خبری رییس‌جمهوری در بازگشت از نیویورک به وضوح دیده می‌شد. اینکه ایشان تاکید کردند که لحن آمریکایی‌ها کاملا با قبل متفاوت است. به نظر همه‌چیز خوب پیش می‌رود، اما مهم‌ترین مانع برای عبور از این دوران سخت چیست؟ سنگینی سال‌ها خصومت یا به‌طور خاص پرونده هسته‌ای؟

هر دو تاثیر خود را دارند. سال‌ها درگیری سیاسی و دیدگاه‌های مختلفی که هر دو بر سر پرونده هسته‌ای دارند. اما هرگونه پیشرفت بر سر پرونده هسته‌ای به کمک نیروهای سیاسی حتی اگر تعداد معدودی باشند و حتی به شکل نسبی، کار را راحت‌تر خواهد کرد. عبور از این میراث خصمانه میان تهران و واشنگتن نیازمند حمایت طبقه سیاسی هر دو کشور و البته افکار عمومی آنهاست. اما با توجه به سوال شما عبور از پرونده هسته‌ای می‌تواند این میراث دشوار را هم حل کند.

ادامه در صفحه ۱۴

نگاه بیرون

ایران؛ هزار و یک شب خاورمیانه

Le Monde

آلن فرشون

● برخلاف آنچه همیشه تبلیغ می‌شود و می‌شنویم، در خاورمیانه بدترین‌ها، محتمل‌ترین‌ها هستند. اما حتی همین توصیه ناامیدکننده مانع از این نمی‌شود که ما آرزو کنیم. آرزو کنیم که منطقه در آستانه تحولی قرار داشته باشد همپای تغییراتی که اروپا بعد از جنگ سرد تجربه کرد. جرقه این امید در افق از سرگیری رابطه احتمالی ایران-آمریکا زده شده است. با آمدن روحانی واژه‌ها تغییر کرده‌اند و نیت صریحی برای از سرگیری رابطه و حل مشکلات از سوی ایران اعلام شده است. در واقع نقطه عطف آنچه گفتیم عادی‌سازی روابط با آمریکا و رسیدن به توافق هسته‌ای است. اما همه می‌دانیم که راه بسیار طولانی است. در این میان دو گروه بدبینان و خوشبینان نظاره‌گر خاورمیانه‌اند. بدبینانی که معتقدند ایران ماهیتا نظامی انقلابی، سلطه‌طلب و استیلاجو است و هویتش را تنها بر اساس تقابل با آمریکا می‌سازد. این افراد همین صفات را برای چین کمونیست عصر مائو هم به‌کار می‌بردند اما همین چین میزبان ریچارد نیکسون در ۱۹۷۲ شد. چین به این نتیجه رسید که دفاع از منافع اقتصادی و استراتژیکش در گرو عادی‌سازی رابطه با واشنگتن است. همان‌گونه که بهبود روابط پکن-واشنگتن دهه ۱۹۷۰ بستر مناسبات بین‌المللی بعد از خود را متحول و متاثر کرد، بهبود رابطه ایران و آمریکا می‌تواند به تغییر بنیان‌ساز در خاورمیانه منتهی شود. رسیدن به توافقی میان این دو کشور بر سر امتیازدهی و امتیازگیری بر سر پرونده هسته‌ای چندان دور از ذهن نیست. این توافق زمینه‌ساز پایان‌دادن به چهره «شیطانی‌شده» ایران در غرب است. ایران برنده چند فاکتوره این بهبود روابط است. جایگاه منطقه‌ای‌اش را در خاورمیانه به‌دست‌می‌آورد. این خود باعث حاکم شدن ثبات نسبی در خاورمیانه خواهد شد. این سناریویی است که بسیاری را ناخشنود می‌کند. این بهبود روابط به تقویت اقلیت شیعه منطقه در مقابل اکثریت سنی مورد حمایت عربستان منجر می‌شود. اما در مقابل از سرگیری روابط، جدی‌ترین مخالف‌ها همان گروه فشارهسته‌ای در داخل ایران است. این گروه فشار از سرمایه‌گذاری روی برنامه هسته‌ای به‌شدت منتفع شده‌اند و برداشته شدن مانع روابط با غرب برای آنها خبر خوبی نیست. در واشنگتن لابی طرفدار اسراییل از خیلی پیش علیه گشایش‌های سیاسی جدید با شرق (ایران) فعال شده است و مورد حمایت دموکرات‌ها به اندازه جمهوریخواهان هم هست و فشار جدی را بر اوباما در داخل کنگره ساماندهی می‌کند. هیچ‌چیز جز یک حقیقت این وسط وجود ندارد. حقیقتی که از متن داستان «هزار و یکشب» بیرون می‌آید، اینکه آرامش در خاورمیانه تنها با از سرگیری رابطه تهران-واشنگتن برقرار می‌شود.

ادامه از صفحه اول

شادبیت توافقنامه امنیتی

اما به نظر می‌رسد به دلیل مقاومت افکار عمومی، دادن مصونیت قضایی به سربازان افغان کار آسانی نیست و طرفین به‌دنبال مدیریت زمان هستند تا با اطلاع‌رسانی مرحله‌ای بتوانند افکار عمومی را مدیریت کنند. هرچند با توجه به تجربه سه دهه گذشته افغانستان بعید است که افکار عمومی از کنار این موضوع بی‌تفاوت بگذرد. اما فارغ از اینکه این بند مورد موافقت افغان‌ها قرار می‌گیرد یا نه، سوال اساسی این است که چنین اتفاقی چه تاثیری بر وضعیت افغانستان می‌گذارد؟ در ۱۰سال گذشته ۳۷ کشور با بیش از ۱۲۰هزار نیرو در افغانستان بوده و کمک‌های زیادی از سوی این کشورها به افغانستان شده است؛ اما به هر علتی جامعه جهانی و کشورهایی که در افغانستان نیرو داشتند نتوانستند مفید باشند و حالا چه تضمینی وجود دارد که یک کشور با این تعداد نیرو بتواند مفید فایده واقع شود. علاوه بر این، این روند باعث خواهد شد که جریان افراط برای اقدامات خود توجیه داشته باشد. در این میان استراتژی ایران نیز در قبال افغانستان توسعه و امنیت در این کشور است و هر اتفاقی که بر اساس واقعیت‌ها و ارزیابی روندها نتواند منجر به بهترشدن اوضاع افغانستان شود، مورد خوش‌آمد همسایگان افغانستان از جمله ایران نیست.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● متاسفانه مسوولان محترم در شناسایی افراد و خانوارهایی که مستحق دریافت سهام عدالت هستند به‌طور ناقص عمل کرده‌اند و بسیاری را چشم انتظار گذاشته‌اند. متاسفانه برداشت غلطی که در این مورد شده است اهتمام به نقاط خاصی مثل روستاها و مناطق محروم شده است درصورتی‌که بسیاری از ساکنان شهری نیازمندتر به آن هستند

● انتظار می‌رود ترخیص مکرر داروها باعث نوسان و کاهش قیمت‌های این اقلام حیاتی شود، زیرا بسیاری از بیماران سلامتی و ادامه زندگی‌شان منوط به مصرف دایمی داروست. قابل ذکر است این موضوع صرفا شامل بیماران خاص و صعب‌العلاج نمی‌شود.

● یارانه سرانه ملی است اما چون دولت خرجش بیشتر از دخلش است و با تحریم روبه‌رو هستیم یارانه باید به طبقه متوسط و پایین داده شود. شناخت پنج‌درصد سرمایه‌داران و طبقه مرفه که ۹۵درصد سرمایه مملکت را در دست دارند کار سختی نیست اما زمان می‌برد. منتها مردم عادت به یارانه کرده‌اند و اگر یکماه صبر کنند حق به حق‌دار می‌رسد و یارانه هم زیادتر می‌شود. اما قدیما می‌گفتند از نخورده بده به خورده.

● پیشنهاد می‌کنم اگر ستون الوشرق را یک صفحه چاپ کنید مخاطبان بهتر می‌توانند مطالب خود را در روزنامه درج کنند، مردم خیلی درددل دارند و نصف ستون برای آن کافی نیست. این ستون پل ارتباطی خوبی است و باعث روشنگری می‌شود و می‌توانیم از تجربه همدیگر استفاده کنیم.

فضل‌الله حسینی از کردکوی گلستان

● چند سالی است که باغ‌های اطراف شهرستان دزفول تبدیل به تفریحگاه شخصی شده و باغ‌های چندده‌هکتاری تبدیل به باغ‌های کوچک هزارمتری شده‌اند. این کار علاوه بر از بین بردن مرکبات منطقه باعث سوءاستفاده افراد دلال شده. لطفا مسوولان رسیدگی کنند.

● از اینکه خبر مربوط به تدریس زبان‌های قومی را انعکاس دادید متشکرم. امیدوارم چاپ مقالات روشنگرانه در این خصوص را ادامه دهید. به اعتقاد من تدریس زبان‌های قومی باعث انسجام بیشتر ملی خواهد شد.

● مطلبی در ستون الوشرق مورخ ۱۶ مهر در مورد صداوسیما چاپ شده بود. خواستم بگویم همو‌طن عزیز شما هم مثل اکثریت مردم بهتر است اخبار جهان را از طریق جراید و اینترنت تهیه کنید.
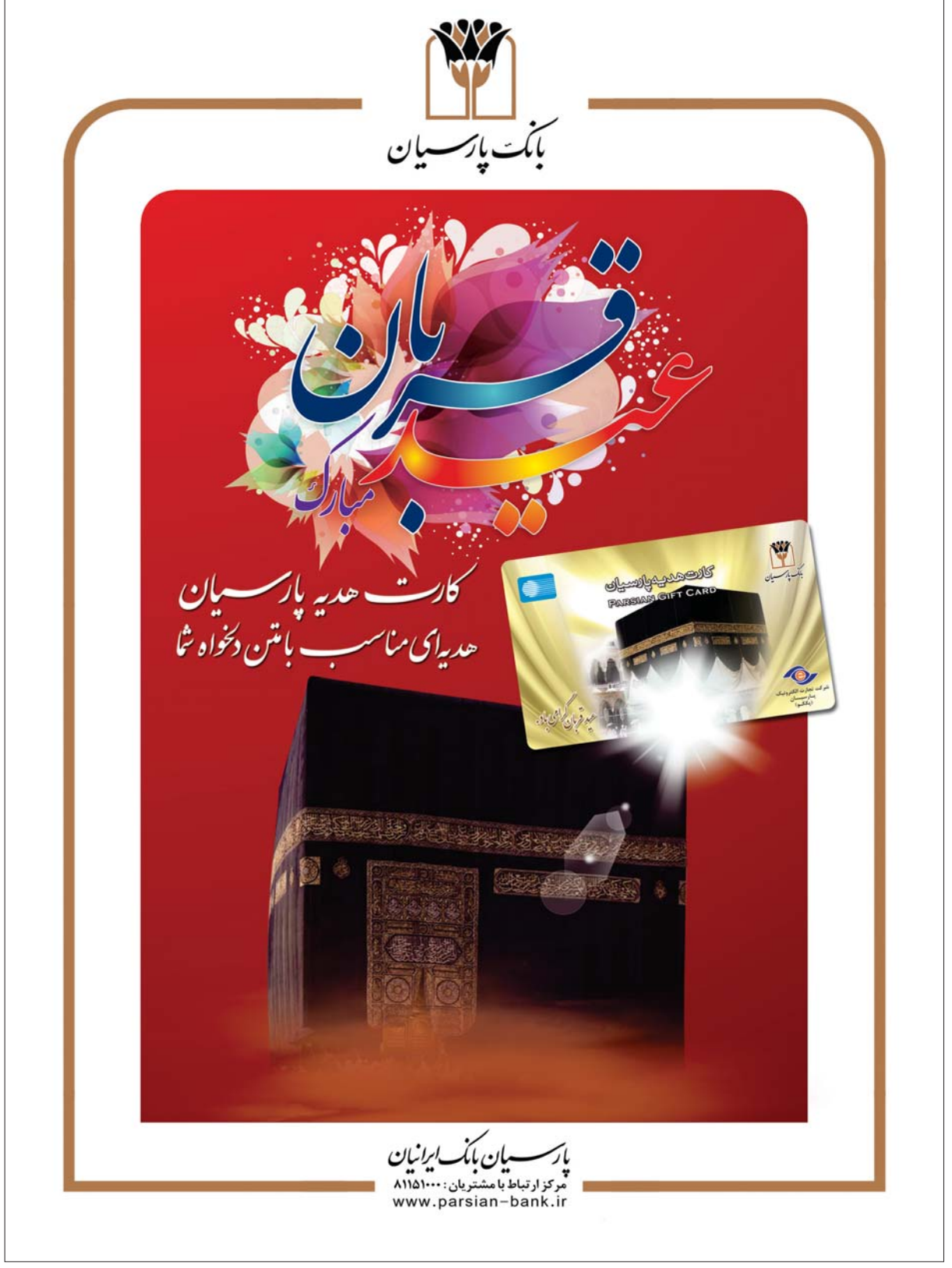
● مساله توسعه و افزایش درختان و فضای سبز باید همیشه و همه‌جا یکی از برنامه‌های مدون شهرداری باشد زیرا یکی از علل مهم سلامتی جسمی و روحی شهروندان به وجود آنها بستگی دارد و هم اینکه عامل تولید چوب و کاغذ و سایر نیازها و مایحتاج است.